

## نقدی مختصر بر مقاله‌ی «حجاب در ترازوی اخلاق»، اثر سروش دباغ

مقاله‌ی «حجاب در ترازوی اخلاق» به قلم دکتر سروش دباغ تدوین گشته است و در ابتدای آن انواع روابط میان دین و اخلاق تبیین شده است و در آن دلایلی به سود «نظریه حداقلی فرمان الهی» اقامه می‌شود.

### پایگاه خبری تحلیلی زنان پرس - مجید ایرانی‌شاهی:

مقاله‌ی «حجاب در ترازوی اخلاق» به قلم دکتر سروش دباغ تدوین گشته است و در ابتدای آن انواع روابط میان دین و اخلاق تبیین شده است و در آن دلایلی به سود «نظریه حداقلی فرمان الهی» اقامه می‌شود. سپس چارچوبی نظری برای صورت‌بندی و رفع تعارض میان برخی احکام فقهی و احکام اخلاقی ارائه می‌شود. در ادامه مسئله حجاب و پوشش گردن و موی سر به بحث گذاشته شده است و با استشهاد به آراء برخی از فقها و قرآن‌پژوهانی که بر این باورند که نپوشاندن موی سر و گردن حرمت شرعی ندارد، مسئله حجاب از منظر اخلاقی به بحث گذاشته شده است. با وام کردن نظریه «اخلاق و وظایف در نظر اول» دیوید راس، استدلال می‌شود که نپوشاندن موی سر و گردن در روزگار کنونی قبح اخلاقی ندارد و مصداقی از کنش غیر عقیفانه نیست. در انتهای این مقاله تاکید شده است که بسنده کردن به حجاب عرفی مطابق با نظریه «حداقلی فرمان الهی» متضمن نادیده انگاشتن مراد شارع و خداوند نیست.

و در پایان بیان می‌دارد که چه دینداران معیشت‌اندیش که تنها در بند احکام فقهی حجاب‌اند و چه دینداران معرفت‌اندیش که به دلایل اخلاقی هم بها می‌دهند و در اندیشه برقراری توازن فقه و اخلاق و توزین احکام در ترازوی اخلاق‌اند، می‌توانند تصدیق کنند که نپوشاندن موی سر و گردن علی‌الاصول قبح اخلاقی ندارد.

۱. در صفحه ۸ این مقاله با تکیه بر سخنان مرحوم احمد قابل به بحث عدم پوشش سر و گردن برگان مسلمان اشاره شده است و با استناد به این موضوع و همچنین بیان این سوال که چه تفاوتی میان برده و غیر برده می‌باشد که پوشاندن سر و گردن بر آنان لازم نیست و بر بقیه لازم است؟

در این باره شهید مطهری در کتاب مسأله حجاب اینگونه اشاره می‌کند: «به طور کلی بردگان اعم از زن یا مرد از نظر اسلام در بسیاری از احکام استثناهایی دارند.»

هم‌چنین که در این باره تنها استثنا مربوط به بردگان نمی‌باشد. بر طبق آیات ۵۹، ۶۰ و ۵۱ سوره نور نیز زنانی که امید به ازدواج ندارند و کودکان نابالغ و بردگان و غلامان استثنا شده‌اند.

۲. محمد بن اسماعیل بن بزیر از امام رضا می‌پرسد: آیا زنان آزاده از خواجهگان باید سر بپوشند؟

امام فرمودند: نه، خواجهگان بر دخترم پدرم امام موسی بن جعفر وارد می‌شدند و روسری نداشتند. دوبار می‌پرسد: آیا آن خواجهگان آزاد بودند یا نه؟ فرمودند: آزاد نبودند. مجدداً پرسیدم اگر آزاد باشند باید سرها را از ایشان پوشانند؟ فرمود: نه.

۳. در روایتی از علی (ع) نیز هست که می‌فرماید: نگاه به سر زنان اهل ذمه جایز است.

۴. زنان بیابان‌نشین: امام صادق می‌فرماید: نگاه کردن به سر زنان تهمامه، بادیه‌نشینان، دهاتی‌های حومه و علج (غیر عرب‌های بیسواد که در حکم همان بادیه‌نشین‌های عربند) مانعی ندارد، زیرا ایشان را هرگاه نهی کنند فایده ندارد. هم‌چنین فتوای امام خمینی در این باره بدینگونه است: «رفت و آمد در بازارهایی که محل تردد اهل روستا و بادیه‌نشین‌هایی است که عادت ندارند حجاب خود را کامل رعایت کنند، اگرچه انسان علم دارد به آن‌ها نگاه خواهد کرد، اشکال ندارد، هم‌چنین معامله با آن‌ها نیز اشکالی ندارد.»

ضمن این که در بحث ازدواج نیز استثنا وجود دارد و فرد می‌تواند بدون حجاب به طرف مقابل نگاه داشته باشد. لذا اولاً که بردگان در این باره تنها استثنا نیستند همچنین که اشاره شد در بسیاری موارد دیگر نیز بردگان و کنیزان استثنائاتی دارند. ثانیاً باید توجه داشت که جواز اظهار زینت در برابر بردگان و جواز نظر برای آنان، از نظر کمیت و کیفیت کاملاً محدود بوده و فراتر از سر و گردن نیست و مقید به عدم چشم‌چرانی و انگیزه‌های شهوانی است.

ثالثاً وجود استثنائات دلیل بر رد کلی حکمی نمی‌باشد و همانطور که اشاره شد این استثنائات بیش از بردگان است. - در بخش دیگری از این مقاله نظر عبدالعلی بازرگان بیان می‌شود: «... آنچه در قرآن محوریت دارد، حفظ حریم در مناسبات و روابط میان زن و مرد و پوشاندن زینت‌هاست که لزوماً شامل موی و سر و گردن نمی‌شود.»

در این باره باید نوع زینت و میزان تحریک‌کنندگی آن مورد بررسی قرار گیرد که آیا موی سر جزو قسمت‌های زینت و زیبایی بدن می‌باشد یا خیر؟ از بدیهیات حفظ رعایت و حریم در روابط می‌باشد که البته برای آن ابزاری لازم است، پس در این جا نظرات متفاوت می‌باشد و تا آنجا که ظاهر امور و روایات و هم‌چنین واقعیات می‌نماید موی سر جزء زیبایی‌ها و زینت‌ها می‌باشد و پوشاندن آن برای زنان مسلمان ضرورت می‌باشد.

- در بخش دیگری از این مقاله این گونه اشاره شده است: «... عموم علمای اخلاق گفته‌اند که اختیار و اراده از مقومات فعل اخلاقی است؛ لازمه این سخن این است که فعل مجبورانه و غیر مختارانه ارزش اخلاقی ندارد؛ بلکه از آنجائی که متضمن نادیده انگاشتن حق انتخاب و کرامت انسانی است؛ فعلی غیر اخلاقی است.»

در این باره باید در نظر داشت که اولویت برای اخلاقیات جامعه است یا فرد؟ صرفاً نمی‌توان به دلیل اجباری بودن یک فعل آن را غیر اخلاقی دانست ولو اجبار ظاهر آن موضوع باشد. برای بررسی این موضوع نیاز است که منفعات و مضرات یک موضوع و فعل اجباری بررسی گردد.

- در ادامه مقاله ذکر می‌گردد: «از این رو حکومت‌هایی که در پی برقراری ایمان اجباری در جامعه هستند، مرتکب خطای اخلاقی می‌شوند و در مقام عمل هم کامیاب نمی‌شوند. حاکمان باید صرفاً در اندیشه سیاست‌گذاری، گذاری در جهت بر آوردن نیازهای اولیه مردمان از قبیل امنیت، شغل، بهداشت، پوشاک... باشند و نیازهای ثانویه انسان‌ها از قبیل هنر، عشق، دین... را به مردم و جامعه مدنی و حوزه عمومی بسپارند و در این حوزه‌ها دخل و تصرف و اعمال قدرت نکنند. از این رو، برقراری حجاب اجباری در جامعه غیر اخلاقی است و لذا فرونیادنی.»

پس با توجه این نوع نگاه بحث حجاب در حیطه ایمان اجباری قرار نمی‌گیرد بحث در حوزه منفعت فرد و اجتماع قرار دارد و اینکه دین در حوزه جامعه مدنی و حوزه عمومی قرار داده شده است باید در نظر داشت که حوزه عمومی در برخی موارد نیازمند دخالت دولت می‌باشد و لزوم برقراری مواردی نظیر امنیت دخالت دولت را می‌طلبد.

- در بخش دیگر دکتر سروش این گونه اشاره می‌نماید :

«بسنده کردن به حجاب عرفی، متضمن نقض وفاداری، آسیب نرساندن به دیگران، بهبود خود، عدالت، سپاسگزاری، مهربانی و جبران نیست؛ چرا که نه متضمن نقض کرامت انسانی و وفاداری و مهربانی و عدالت است، نه آزار و اذیت دیگران را در پی دارد. در مقابل، انجام کنش‌هایی مثل شکنجه کردن انسان بیگناه، دروغ‌گویی، تهمت زدن، غیبت کردن، آدم کشتن، پیمان‌شکنی... متضمن نقض یک یا بیش از یک وظیفه در نظر اول اخلاقی بنیادین‌اند و از اینرو در نظام اخلاقی راس، ناموجه‌اند و فرونیادنی. بنابر این، کسی که گردن و موی سر خود را نمی‌پوشاند، مرتکب فعل غیر اخلاقی نشده است.»

در اینجا یک بحث حجاب عرفی مطرح گشته است و نکته بعدی عدم آسیب رساندن به جامعه می باشد که باید دید آیا اگر فردی از حجاب و گردن استفاده ننماید تبعات آن چگونه است و آیا این موضوع به حجاب گردن و بر روی دیگر افراد چه تاثیری دارد، پاسخی قطعی ندارد. لذا نمی توان به صرف اینکه فرد به طور مستقیم بر روی دیگران ضرری وارد نمی نماید فعل او را حمل بر بی ضرر بودن کرد.

- نگارنده در بخش دیگری اینگونه اشاره دارد: «حدود و ثغور و مصادیق امر عفیانه و غیر عفیانه علی الاصول می تواند از دورانی به دورانی تغییر کند، کما اینکه تغییر کرده است. در ایران دوره قاجار، رفتار عفیانه، در نظر کثیری احتمالاً اقتضا می کرد زن، مرد نامحرمی را نبیند و مرد نامحرمی، او را نبیند؛ اما در دوران انقلاب کثیری از زنان مسلمان پا به پای مردان در تظاهرات خیابانی شرکت می کردند و خواستار برکناری شاه بودند و این رفتار ایشان غیر عفیانه قلمداد نمی شد. در روزگار کنونی نیز، کثیری از دختران و زنان مسلمان، در ایران پس از انقلاب اسلامی، به دانشگاه می روند و یا در ادارات، وزارتخانه ها، کارخانه ها و شرکت ها حاضر می شوند و با همکاران خود صبح تا بعد از ظهر کار می کنند و این امر از سوی خانواده های ایشان و تخته بند زمان و مکان است و با احراز آن ها، می توان «عفت» جامعه، منافی عفت قلمداد نمی شود. پس مؤلفه ها و مصادیق حدود و ثغور امر عفیانه را در هر زمانی مشخص کرد.

در روزگار کنونی، سخن گفتن و کار کردن با فرد نامحرم، علی الاصول مصداق امر غیر عفیانه قلمداد نمی شود؛ لازمه این سخن این است که کنشی غیر اخلاقی نیست. بر همین سیاق و با مد نظر قرار دادن شهودهای اخلاقی انسان های عاقل منصف که در صدور احکام اخلاقی، به قدر طاقت بشری عاری از یاد می کنند، می توان «ناظر آرمانی» اغراض و احساسات و عواطف بشری اند و فیلسوفان اخلاق از ایشان تحت عنوان استدلال کرد که رعایت حجاب عرفی بوسیله مردان و زنان بالغ که علاوه بر پوشش عرفی، شامل بهره گیری از گفتار و رفتار مناسب و متین و انسانی در تنظیم رابطه با جنس مخالف است، اخلاقاً ضروری است و عدول از آن، مطابق با دستگاه است و فعلی است غیر عفیانه، غیر بهبود خود و آسیب رساندن به دیگران، وفاداری اخلاقی راس، متضمن نقض اخلاقی و ناموجه. پس رعایت کردن این حجاب عرفی، هم وظیفه اخلاقی زن بالغ است، هم وظیفه اخلاقی مرد بالغ؛ اما پوشاندن گردن و موی سر بوسیله زنان بالغ، متضمن نقض وظیفه اخلاقی «عفت» نیست و غیر اخلاقی نمی باشد».

نکته ای که پیرامون بحث عفت نگارنده مطرح می نماید امری درست می باشد و در برخی موارد حدود عفت با توجه به رشد فرهنگی جامعه دچار تغییر می گردد اما این تغییرات ممکن است با خود تبعاتی را به همراه داشته باشد که عفیانه نباشد.

در بحث بعدی رعایت برخوردهای متناسب نیز از وظایف مورد تاکید دینی و همچنین بدیهیات می باشد اما مجدداً بحث بر این موضوع می باشد که آیا در این نوع تعامل ها برخی ابزارها اثرگذار می باشد یا خیر؟ پوشاندن موی سر و گردن اگر مو و گردن را جزء زینت ها و زیبایی ندانیم حرف نگارنده تصدیق می گردد. ولی نکته اینجاست که این موضوع در واقعیت بدینسان نمی باشد. نکته بعدی در این بحث صرف عفت شخصی مطرح نمی باشد و این آن است که عفت عمومی قابلیت تاثیر پذیری را از این امر داراست.

- در بحث پایانی استاد سروش به این نکته اشاره می دارد که داشتن حجاب و پوشش گردن و موی سر لزومی بر رفتار غیر عفیانه نمی باشد و همچنین داشتن آن نیز لزومی بر رفتار عفیانه نمی باشد که البته این موضوع در موارد اخلاقی صحیح می باشد اما بحث بر این نکته است که حجاب به نوعی می تواند ابزاری در راستای کمک به رفتار عفیانه می باشد ضمن اینکه عکس این موضوع نیز بیش از نقض آن گسترش دارد.

به هر ترتیب مباحثی پیرامون موضوعات نظیر عفاف نیاز به بررسی های می دانی نیز دارد تا بتواند در پیشبرد مباحث کمک نماید.